فیلم سینمایی حاج قاسم ساخته می‌شود

محمدرضا مصباح از تهیه‌کنندگان سینما گفته سراغ ساخت یک فیلم سینمایی درباره سردار سلیمانی خواهد رفت. او در این باره گفت: پس از شهادت سردار اعلام کردم با دریافت طرح قابل قبول سراغ ساخت فیلم درباره او خواهم رفت. مصباح در این باره گفت: هدف من همچنان ساخت فیلمی سینمایی لااقل در مورد بخشی از شخصیت یا زندگی با برکت و پرافتخار حاج قاسم عزیز است. اتفاقا طرح‌های خوبی هم به دست من رسیده است که البته تبدیل به فیلمنامه نشده‌اند. / آنا

نامه‌های یک مسلمان به دوست خیالی مسیحی‌اش

«نزدیک‌ترین مخاطبِ من باش» آخرین اثر صدیق قطبی است که در کتاب تازه‌اش (که در نوع ادبی نامه‌نگاری است)، با دوست خیالی مسیحی‌اش دست به خاطره‌بازی، درددل و گفت‌وگو می‌زند، اما این گفت‌وگوها یکطرفه‌اند و تمام نامه‌ها از جانب صدیق مسلمان به آرمن مسیحی است. «نزدیک‌ترین مخاطب من باش» اثر صدیق قطبی در اردیبهشت ۱۳۹۹ در ۱۳۴ صفحه به بهای ۲۵ هزارتومان از سوی انتشارات اریش منتشر شده‌است. / ایبنا

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

سال‌هاست که زائران حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در ری، علاوه بر زیارت آن حضرت در هر بار تشرف، بر سر مزار علما و بزرگانی که در این حریم آرام گرفته‌اند نیز حاضر می‌شوند. از این منظر هر بار زیارت آن عبد صالح در ری، به نوعی تورق تاریخ علم، ادب و هنر ایران است که با حضور بر سر مزار بزرگان اتفاق می‌افتد. اگر قرار بر نگاهی به زندگی علمای مدفون در این مکان عزیز و شریف باشد، بایست کتاب‌ها نوشت و تذکره‌ها تحریر کرد که در اینجا مجال آن را نداریم. بنابراین سری زده‌ایم به صحن مطهر سیدالکریم، رواق ابوالفتوح رازی و صحن باغ توتی، در این سرزدن سراغ نویسندگان، شاعران و هنرمندان رفته‌ایم تا گلی از این بوستان چیده باشیم.

قاآنی

نام قاآنی را احتمالا زیاد شنیده باشید. شاعری که فتحعلی‌شاه او را «مجتهدالشعرا» لقب داد و محمدشاه نیز او را «حسان‌العجم» می‌خواند، زیرا آنچنان در قصیده‌سرایی توانایی داشت که مایه شگفتی خوانندگان بود. در گذشته اطراف حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) را قبرستان‌های زیادی احاطه کرده بود، از این‌رو بزرگان زیادی از علم و ادب در محوطه حرم این امامزاده‌ها دفن شده‌اند. یکی از ایشان قاآنی است که در ۵ شعبان ۱۲۷۰ در صحن حرم به خاک سپرده شد.

ادیب‌الممالک فراهانی

شاعر و ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطه بود. یکی از معروف‌ترین اشعار او شعری است که به مناسبت زادروز پیامبر اسلام سروده‌است. این شعر در قالب مسمط بوده و در زمان مظفرالدین شاه سروده شده‌است. مطلع این شعر چنین است:

برخیز شتربانا بربند کجاوه / کز چرخ عیان گشت همی رایت کاوه

ادیب‌الممالک در سال (۱۳۳۵ ه.ق) که مأمور عدلیه یزد بود، سکته کرد و به تهران آمد و روز چهارشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی همین سال در ۵۸ سالگی در تهران درگذشت و در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون شد.

قائم‌مقام فراهانی

اجداد او در زمان صفویه و زندیه به خدمات مهم دولتی اشتغال داشتند و خود او نیز به مقام صدراعظمی نائل آمد. علاوه بر جایگاه سیاسی، در حوزه ادبیات هم چه در نثر و چه در نظم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه رسائل و نامه‌های او در کتابی با عنوان منشآت قائم‌مقام منتشر شده‌است که از نمونه‌های بی‌بدیل نثر فارسی متاثر از گلستان سعدی است. او را سرانجام در سال ۱۲۵۱ قمری به امر محمد شاه در حوضخانه کاخ نگارستان خفه کردند و هم‌اکنون مرقد او در رواق ابوالفتوح رازی محفوظ است.

عبدالعظیم قریب گرکانی

بنیانگذار دستور زبان فارسی نوین، مدرس و متخصص دستور زبان بود. او سال‌ها در تهران و در خیابان ایران (خیابان عین‌الدوله) زندگی می‌کرد. در سال‌های پس از بازنشستگی که هنوز در دانشگاه تدریس می‌کرد، به سبب زمین خوردن، دچار شکستگی استخوان پای چپ و بستری شد و بعد از عمل جراحی، به علت عوارض ناشی از شکستگی پا درگذشت. مزار او در ایوان حرم مشرف به صحن آیت‌ا... کاشانی واقع است؛ اما به سبب بسته شدن ایوان، دسترسی به آن میسر نیست. اکنون فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای قدردانی از خدمات فرهنگی او خانه قدیمی‌اش را در روستای گَرکان بازسازی کرده و مرکز مطالعات دستور زبان فارسی قرارداده‌است.

بدیع‌الزمان فروزانفر

از چهره‌های بزرگ پژوهش ادبیات فارسی و استاد بزرگانی چون عبدالحسین زرین‌کوب، محمدرضا شفیعی کدکنی، ذبیح ا... صفا، سید جعفر شهیدی و دیگران بود. فروزانفر به مدت ۳۰ سال در دانشگاه تهران و در رشته‌های مختلف از جمله ادبیات فارسی، تاریخ، تصوف اسلامی، عرفان و ادبیات عرب تدریس کرد. همچنین دو دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی و مجلس سنا انتخاب شد. او ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ و در منزل شخصی‌اش بدرود حیات گفت و هم اکنون در رواق شهید حاج اسماعیل رضایی مدفون است. البته سال‌ها قبل و البته بعد از انقلاب اسلامی، گویا تولیت بارگاه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام به صرف گذشت ۳۰ سال و رفع مانع فقهی، قبر استاد فروزانفر را به شخصی فروخته بودند! اولین بار این ادعا را دکتر شفیعی کدکنی در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت و ظرافت یک انسان» مطرح می‌کند:

خانم دکتر گل گلاب؛ استاد دانشگاه تهران، به نظرم دانشکده علوم روزی با من تماس گرفتند. پس از معرفی دانستم که ایشان دختر مرحوم دکتر حسین گل گلاب استاد برجسته دانشگاه تهران هستند که عمه ایشان. خواهر مرحوم دکتر گل گلاب. همسر استاد فروزانفر بود. آن‌گاه خانم دکتر گل گلاب با لحن سوگوار مُصرّی خطاب به من گفتند: «آیا شما می‌دانید که قبر استاد فروزانفر را، اولیای حضرت عبدالعظیم به یک نفر تاجر به مبلغ یک میلیون تومان فروخته‌اند؟» من در آن لحظه، «به دست و پای بمردم». ولی باور نکردم تا خودم رفتم و به چشم خویشتن دیدم. در کجای دنیا چنین واقعه‌ای، آن هم در پایان قرن بیستم، امکان‌پذیر است؟ از چنین ملتی چگونه باید توقع حافظه تاریخی داشت؟

البته گویا بعدها این امر با موضعگیری بزرگان فرهنگ و ادبیات به موجی رسانه‌ای بدل می‌شود و تولیت محترم قبر را پس می‌گیرد؛ چرا که هم اکنون قبر استاد در صحن حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام پابرجاست. بمنه و کرمه.

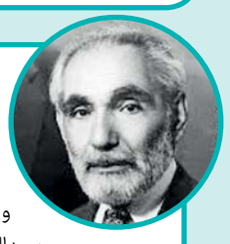

اسماعیل آشتیانی

اسماعیل آشتیانی متخلص به شعله از شاگردان کمال‌الملک بود که در حوزه شعر و نقاشی جایگاهی ویژه داشت. آشتیانی ارادت و عشق زیادی به استاد خود کمال‌الملک داشت و هنرستانی به نام وی تأسیس کرد. این شاعر فرزانه و هنرمند چیره دست در ۹ اردیبهشت ۱۳۴۹ ه.ش پس از یک دوره بیماری در تهران درگذشت و در جوار بارگاه حضرت سیدالکریم علیه‌السلام در شهر ری رخ در نقاب خاک کشید.

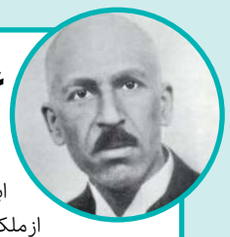

علامه محمد ف

صحبت از رواق ابوالفتوح
منزل‌تان رجوع کنید به احت
ابوریحان و ابن‌خلدون عصر
از ملک ادب داعیه‌داران همه رف
در سوگ قزوینی سروده شده‌است. البته برخی
بهار این قصیده را برای عارف قزوینی گفته‌است.

عباس اقبال آ

استاد عباس اقبال آشت
ایران رواج داد. او بعد از م
تاریخ‌نویسی و تصحیح متو
دبیرستان بود. عباس اقبال آش
کلیه در شهر رم دیده از جهان فرو بست. پیکر او به
شد. اقبال که تا پایان عمر ازدواج نکرده بود، سال

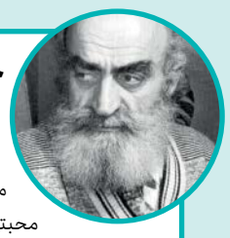

حسن نیرزاده

او از آموزگاران برجسته ای
برنامه بروبچه‌های پش
میلیونی پای درس این معل
محبتی/ جمعه به مکتب آورد
در باغ توتی واقع است.

این صح

تعدادی از وقایع مهمی که در حرم مط

اخراج سید جمال‌الدین اسدآبادی

ازجمله وقایع مهم که در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام روی
و بسیاری آن را دلیل اصلی قتل ناصرالدین‌شاه قاجار می‌دانند، اخ
توهین‌آمیز سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دستگیری‌اش در حرم
دستور مستقیم شاه قاجار بود.

مهاجرت علما از تهران به حرم سیدالکریم

نفوذ روزافزون بیگانگانی چون نوز بلژیکی که در زمان مظفرالدین‌ش
اختیار امور را به‌طور علنی در دست گرفته‌بودند، موجب شد که آیت
طباطبایی پیشنهاد مهاجرت به حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام را د
که مقبول بیشتر علما واقع شد.

ترور شاه قاجار

زمانی که ناصرالدین‌شاه قاجار می‌خواست پنجاهمین سال سلط
خود را با زیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام شروع کند، میرزا
کرمانی او را در حرم با گلوله می‌زند. گلوله میرزا درست به وسط سینه ش
در ارتفاع بالاپوش او شلیک شده بود.

علیرضا رأفتی

روزنامه‌نگار

اصلا تو فکر می‌کنی این اتفاقی است که یک نفر که نور خاندان نبوت را در سینه دارد از آن طرف مدینه النبی راه بیفتد بیاید این گوشه دنیا؟

غنچه نشسته‌ام و تکیه داده‌ام به دیوار حرم. هنوز جای شلاق ظلم حاکم کرمان به گرده‌ام و جای داغ برادر بر قلبم التیام نگرفته. هتک حرمت و تبعید سید هم سنگ شده و راه گلویم را تنگ می‌کند. اگر جلوی سید گریه نکرده‌بودم، یقین حالیه مرده بودم. اصلا این همه بار راه را کشیدم تا عثمانی که بر شانه سید جمال‌الدین اسدآبادی گریه کنم. سید زد به شانه‌ام و گفت: گریه کار کودکان است. مرد مادامی که دروازه مرگ به روی او باز است، نه زیر بار ذلت می‌رود و نه از حوادث روزگار شکایت می‌کند.

اصلا تو فکر می‌کنی که این اتفاقی است که چند صد سال بعد قرای شمیران و تهران و ری به هم برسند و بشوند یک شهر و این بارگاه درست جا خوش کند در جنوب شرقی این شهر؛ درست سمت قبله؟

از پیش سید که آمدم سبک بودم. هنوز دهان زخم‌هایم می‌خندیدند اما مثل پرکاه سبک بودم. در راه این تپانچه را خریدم و آمدم اینجا، کنار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) مجاور شدم. همان‌جایی که روزی سید جمال را خوار کرده‌بودند و با بی‌حرمتی از حرم کشیده و دست بسته برده‌بودند. نشستم دست به دامان صاحب حرم که اگر شده فقط یک روز عنان روزگار به دستم بیفتد و دستم برسد به گلوی ریشه ظلم این مملکت. حالا از دو زائر شنیده‌ام که فردا شاه قرار است برای پنجاهمین سالگرد سلطنتش به حرم بیاید و حرم را هم بنا نیست قرق کنند. نشسته‌ام به تپانچه‌ام دستمال می‌کشم. فردا قرار است ریشه ظلم را بسوزاند.

اصلا تو می‌دانی پناهگاه یعنی چه؟ می‌دانی وقتی خدا شهر قبله را بلد امین می‌نامد چه گرمایی به دل پناه‌جویان این شهر می‌نشیند؟ قبله امنیت است، پناه است. این که هر جای تاریخ مکه، وقتی مردم مسلمان به تنگ آمده‌اند به حرم امن پناهنده شده‌اند گواه است که حرم پناه است. قبله فقط یک مختصات جغرافیایی نیست. این که حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) قبله تهران است یعنی در همه تاریخ پناهِ پناهجویان تهرانی است. یعنی هر جا که علما و کسبه بازار و مردم از ظلم به تنگ آمده‌اند بساط تحصن‌شان را در این حرم پهن کرده‌اند. هر جا که به بلایی مبتلا شده‌اند دست به دامان این پناه‌گاه شده‌اند. حتی همین حالا که بلای بی‌پناهی گریبان شهر را گرفته و درهای روضه مبارکه را بسته‌اند.

یک مرد استثنایی

داریوش ارجمند

بازیگر

اول این‌که من خادم افتخاری آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) هستم، ضمن این‌که نقش ایشان را هم در مسافر ری اثر داوود میرباقری بازی کردم. بنابراین درباره بخش‌هایی از زندگی حضرت مطالعه کردم از جمله کتابی که حضرت آیت‌ا... ری‌شهری در این باره نوشتند. همین طور در این زمینه اطلاعاتی هم از دوستان دیگری کسب کردم که در آستان مقدس ایشان هستند.

حضرت عبدالعظیم، یک مرد استثنایی بود. هنوز بخش‌هایی از شخصیت این مرد، شناخته نشده‌است. روزی یکی به من گفت آقای ارجمند، معجزه این امامی که تو در مسافر ری بازی کردی، چه بود؟ گفتم معجزه این شخصیت همین بس که بعد از این همه وقت، مقبره‌ای دارد که مردم عاشقانه سراغ او می‌روند. اما اگر بخواهم از زندگی‌اش بگویم، یک پیرمرد ۷۵ ساله از آن طرف دنیا و از عراق بلند می‌شود و با یک اسب به ایران می‌آید و به نقاط مختلفی چون آذربایجان، کردستان، تهران، شمال و ری می‌رود. او چطور به این مسافرت آمده و در این مسیر چه کرده‌است، اینها معجزه نیست؟ اگر همین الان یک بنز ۵۰۰ را هم به یک مرد ۷۵ ساله بدهند، نمی‌تواند این راه را طی کند.

و چرا به حضرت عبدالعظیم می‌گویند شاه عبدالعظیم؟ شاه در سانسکریت و در فرهنگ ما، کسی است که موردقبول همه اقوام ایرانی باشد. اتفاقی که برای حضرت در طول سفرش افتاد و تبلیغ فرهنگ تشیع می‌کرد تا رسید به ری. بالاخره هم جعفر متوکل نتوانست او را بگیرد و حضرت به مرگ طبیعی درگذشت. این آدم چند امام را درک کرده‌بود و خدمت امام هادی(ع) رسید و عرضِ دین کرد تا ببیند دینش درست است یا نه و امام هم او را پذیرفت. کمتر کسی را می‌شناسیم که شهامت این کار را داشته‌باشد. همچنین باید به مبارزاتش با جعفر متوکل عباسی اشاره کرد که طی آن به دفاع از تشیع و دفاع از ائمه پرداخت.

او راز بزرگ امام هادی(ع) را به شمال آورد و به پسرعمویش گفت که به شکل زیبایی در فیلم مسافر ری هم هست؛ همان طور که ادیان آسمانی به رسول گرامی اسلام ختم می‌شود که به منزله پایان نبوت است، حضرت‌مهدی صاحب‌الزمان(عج) هم پایان امامت است. چون به گفته آقای میرباقری، در آن زمان امامت در تشیع مثل گوشت قربانی شده‌بود و پدیده‌هایی چون پنج امامی و هفت امامی و ... اختلافات شدیدی میان مسلمانان ایجاد کرده‌بود. حضرت عبدالعظیم به نوعی این تفرق را تجیمع کرد و تشیع پاک و درستی را به وجود آورد.

در عظمت مقام و جایگاه ایشان همین بس که ثواب زیارت ایشان، با زیارت مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا برابری می‌کند.

او در طول مسیر پرخطر و پرماجرایی که برای تبلیغ تشیع طی کرد، آن طور که در فیلم مسافر ری دیدید، از شمشیر استفاده نکرد، چون معتقد بود آدمی به جای شمشیر باید خرد خود ر
می‌شود این تاج خروس‌ها چیس
نظامی‌ها به آن افتخار می‌کنند و
و مدال و واکسیل است. شما
را در شهید حاج قاسم سلی
ا... علیه هم ندیدید، این‌ها آ
استثنایی و سربازان دین، تش
امام زمان (عج) هستند.